



Democracy at a Crossroads: The Abuse of Electoral Systems

Fardin Moradkhani,¹ Davood Kazemi²

Associate Professor of Public Law, Faculty of Humanities of Bu Ali Sina University, Hamedan, Iran Email:
f.moradkhani@basu.ac.ir

MA Graduate of Public Law, Faculty of Humanities of Bu Ali Sina University, Hamedan, Iran; **Corresponding Author** (Davoodkazemi1359@gmail.com)

Abstract

This article provides an analysis of the evolution of democracy and the impact of abuses within political systems on electoral processes. It explores the historical development of parliamentary election systems worldwide, considering their susceptibility to manipulation and abuse. The study employs a comparative analysis of different parliamentary election systems, including majority, proportional, and mixed systems, to assess their vulnerabilities. Furthermore, the article examines the influence of economic interests on legislative decision-making, potentially undermining democratic principles. The central question addressed in this article is whether certain parliamentary election systems are more susceptible to manipulation than others, and how they consequently affect the trajectory of democracy. The article references democratic developments, proposes potential solutions, and introduces an expertise-based electoral system as a suitable approach to strengthen democratic mechanisms while mitigating the influence of economic elites in legislative processes.

Keywords: Elections, Democracy, Electoral System, Representation, Liberalism

Received: 2023/10/13; **Revised:** 2023/12/23; **Accepted:** 2024/01/29 ; **Published online:** 2024/02/06

How To Cite: Moradkhani Fardin; Kazemi Davood (2024). Democracy at a Crossroads: The Abuse of Electoral Systems, *Journal of Comparative Public Law*. 1(1),88-108 .

[doi.org/ 10.22091/CPL.2024.9984.1007](https://doi.org/10.22091/CPL.2024.9984.1007)

Published by: University of Qom

© The Author(s)

Article type: Research

دموکراسی در یک دوراهی: سوءاستفاده از نظام‌های انتخاباتی

فردین مراد خانی^۱ داود کاظمی^۲

دانشیار گروه حقوق عمومی دانشکده علوم انسانی دانشگاه بو علی سینا، همدان، ایران؛ f.moradkhani@basu.ac.ir
کارشناسی ارشد گروه حقوق عمومی دانشکده علوم انسانی دانشگاه بو علی سینا، همدان، ایران، (نویسنده مسئول)
Davoodkazemi1359@gmail.com

چکیده

این مقاله به تحول دموکراسی و رابطه تأثیر سوءاستفاده‌های درون نظام‌های سیاسی بر فرآیندهای انتخاباتی می‌پردازد و اینکه پیشرفت تاریخی سیستم‌های انتخابات پارلمانی در سراسر جهان چه حساسیتی را بر می‌انگیزاند. برای انجام این کار از روش تحلیل تطبیقی سیستم‌های مختلف انتخابات پارلمانی، از جمله نظام‌های اکثریتی، تناسبی و مختلط استفاده شده تا آسیب‌پذیری آن‌ها را در برابر دست‌کاری و سوءاستفاده ارزیابی کند. همچنین به بررسی پیامدهای منافع اقتصادی بر تصمیم‌گیری قانون‌گذاری پرداخته شده که به‌طور بالقوه اصول دموکراتیک را تضعیف می‌کند. سؤال اصلی مقاله این است که آیا برخی از سیستم‌های انتخابات پارلمانی نسبت به سایرین مستعد بهره‌کشی هستند و متعاقباً بر جهت دموکراسی تأثیر می‌گذارند؟ این مقاله به تحولات دموکراسی اشاره کرده، راه‌حل‌های بالقوه را ترسیم می‌کند و یک سیستم انتخاباتی مبتنی بر تخصص را به‌عنوان راه‌حلی مناسب برای تقویت شیوه‌های دموکراتیک و درعین حال مهار نفوذ نخبگان اقتصادی در فرآیندهای قانون‌گذاری معرفی می‌کند.

واژگان کلیدی: انتخابات، دموکراسی، نظام انتخاباتی، نمایندگی، لیبرالیسم

مقدمه

دموکراسی، سنگ بنای حکمرانی مدرن بر اساس اصل نمایندگی شکوفا می‌شود. با ورق زدن صفحات تاریخ، سؤالاتی در مورد ماهیت واقعی نمایندگی دموکراتیک مطرح می‌شود که آسیب‌پذیری سیستم‌های انتخاباتی را در برابر دست‌کاری و سوءاستفاده آشکار می‌کند. در طول تاریخ دموکراتیک، شبح منافع اقتصادی سایه‌ای طولانی و در مواقعی نگران‌کننده بر ماهیت حاکمیت نمایندگی انداخته است.

سیستم سرمایه‌داری که ریشه در منافع اقتصادی و پویایی قدرت دارد، اغلب راه‌هایی برای بهره‌برداری و براندازی فرآیندهای انتخاباتی به نفع خود یافته است و پایه‌های دموکراسی را فرسایش می‌دهد. این مقاله سفری را در زمان آغاز می‌کند و سیر تحول نظام‌های انتخابات پارلمانی را در سراسر جهان دنبال می‌کند. این سازمان به قلب دموکراسی وارد می‌شود و کارکرد درونی نظام‌های انتخاباتی اکثریت، تناسبی و مختلط را مورد بررسی قرار می‌دهد تا حساسیت آن‌ها به دست‌کاری و سوءاستفاده نخبگان اقتصادی را آشکار کند. همان‌طور که ما از این منطقه عبور می‌کنیم، یک سؤال اصلی مطرح می‌شود: آیا برخی از سیستم‌های انتخابات پارلمانی بیشتر از سایرین در معرض دست‌کاری هستند و در نتیجه مسیر خود دموکراسی را تغییر می‌دهند؟ روش تحقیق ما از تجزیه و تحلیل مقایسه‌ای استفاده می‌کند و بینش‌هایی را از سیستم‌های مختلف برای درک نقاط قوت و آسیب‌پذیری آن‌ها ترسیم می‌کند. در هسته تحقیقات ما نفوذ مخرب منافع اقتصادی نهفته است که قادر به هدایت تصمیم‌گیری قانونی به سمت برنامه‌های خود که به‌طور بالقوه به بهای منفعت بیشتر است.

همان‌طور که پیچیدگی‌های دگرگونی دموکراسی را آشکار می‌کنیم، یک گزاره جدید با عنوان سیستم انتخابات مبتنی بر تخصص را معرفی می‌کنیم. این رویکرد نوآورانه، دانش تخصصی و نمایندگی عادلانه را تقویت می‌کند و درمان بالقوه‌ای را برای بیماری‌های مبتلا به دموکراسی‌های مدرن ارائه می‌دهد و این چشم‌انداز را ارائه می‌دهد که در آن تخصص متخصصان و شاغلان به بستر تصمیم‌گیری‌های قانونی تبدیل می‌شود و تأثیر نخبگان اقتصادی را کاهش می‌دهد و اصول دموکراتیک را تقویت می‌کند.

۱. تاریخچه:

مجمع (ἐκκλησία، Ekklesia) گردهمایی منظمی از شهروندان مرد آتنی بود (زنان نیز دارای وضعیت شهروندی ویژه بودند، اما حقوق سیاسی نداشتند) برای گوش دادن، بحث و رأی دادن در مورد احکامی که به هر جنبه‌ای از زندگی آتنی، اعم از عمومی و خصوصی مربوط می‌شد که گستره وسیعی از مسائل مالی تا مسائل مذهبی، از جشنواره‌های عمومی تا جنگ، از معاهدات با قدرت‌های خارجی تا مقررات حاکم بر قایق‌ها و کشتی‌ها را در برمی‌گرفت (Christopher W. Blackwell, 2003: 5-10). این روش نشان‌دهنده یک سیستم مستقیم دموکراتیک حکومتی بود.

یکی از اولین حامیان مدرن دموکراسی، فیلسوف هلندی بندیکت دو اسپینوزا^۱ (۱۶۳۲-۱۶۷۷) بود. ایشان در رساله الهیاتی-سیاسی^۲ خود، به شیوایی استدلال کرد: دموکراسی طبیعی‌ترین و منطبق بر آزادی فردی در میان تمام اشکال حکومتی است و در آن هیچ‌کس حقوق طبیعی خود را به‌طور کامل تسلیم نمی‌کند که صدای خود را از دست بدهد.

1. Benedict de Spinoza
2. Tractatus Theologico-Politicus

از این رو، همه افراد در حالت طبیعی، برابر می‌مانند. کتاب اسپینوزا که در سال ۱۶۷۰ به صورت ناشناس با نام ساختگی چاپخانه‌ای که در هامبورگ وجود نداشت بر روی جلد منتشر شد، طوفانی از بحث و جدل را برانگیخت. حمایت از دموکراسی در آن دوره، حتی در جمهوری هلندی، اقدامی تحریک‌آمیز تلقی می‌شد. مخالفت با این کتاب به سرعت در سال ۱۶۷۴ توسط ژنرال ایالات، پارلمان هلند و حتی پاپ رم و با قرار دادن آن در فهرست کتاب‌های ممنوعه اعلام شد. با این حال، ایده‌ها در برابر ممنوعیت‌ها نفوذناپذیرند و حمایت اسپینوزا از دموکراسی میراث فکری ماندگاری بر جای گذاشت.

اندکی پس از آن، فیلسوف دیگری به نام ژان ژاک روسو^۱ (۱۷۱۲-۱۷۷۸) مشعل را به دست گرفت. او خواستار شکلی رادیکال از دموکراسی شد که در آن همه شهروندان بالغ، صرف‌نظر از جنسیت، فعالانه شرکت کنند. روسو از رژیم‌های مطلقه عصر خود که آن‌ها را سنگرهای استبداد و حکومت دمدمی مزاج می‌پنداشت، بیزار بود. او در اثر مشهور خود «قرارداد اجتماعی» که در سال ۱۷۶۲ منتشر شد، یک مورد قانع‌کننده برای از بین بردن شکاف بین قانون‌گذاران و مردم مطرح کرد. او جامعه‌ای را تصور می‌کرد که در آن افراد دیگر به قوانین خارجی که بر آن‌ها تحمیل شده بود پایبند نبودند. بلکه، به‌طور جمعی قوانین خود را ایجاد کردند و بدین ترتیب آزادی سیاسی واقعی را تحقق بخشیدند.

با این حال، این سؤال مطرح شد: آیا می‌توان به این آزادی سیاسی دست یافت و اگر چنین است، چگونه؟ روسو پاسخ مثبتی ارائه کرد. او استدلال کرد که حکومت دموکراتیک زمانی امکان‌پذیر می‌شود که شهروندان یک قرارداد اجتماعی را منعقد و یک اقتدار مستقل را ایجاد کنند. پیشنهادهای روسو رادیکال بود. برای مشروعیت قرارداد اجتماعی همه شهروندان، بدون استثنا، باید در فرآیند رأی‌گیری شرکت می‌کردند. علاوه بر این، حتی پس از تصویب قرارداد اجتماعی، همه شهروندان باید فعالانه درگیر فرآیند تصمیم‌گیری سیاسی جاری می‌شدند. در نتیجه، روسو به‌عنوان یک مخالف سرسخت دموکراسی نمایندگی ظاهر شد (Marcel H. Van Herpen, 2019: 3-4).

روسو می‌گوید تنها راهی که می‌توان مردم را بدون از دست دادن آزادی خود در معرض یک قدرت مستقل قرار داد، این است که آن‌ها خودشان قدرت مستقل باشند. مفهوم روسو از مردم به‌عنوان حاکمیت، مستلزم مشارکت است و جهت‌گیری دولت بر اساس آنچه روسو «اراده عمومی» می‌نامد تعیین می‌شود. بنابراین، می‌توان استدلال کرد که روسو نظریه حاکمیت مردمی را توسعه می‌دهد. حاکمیت مردمی یک باور است که مشروعیت دولت با رضایت یا اراده مردم آن ایجاد می‌شود. به این ترتیب، مردم منبع تمام قدرت سیاسی هستند (Tarcov, 1986: 1426).

امروزه بیشتر دولت‌های مدرن مبتنی بر چنین نظامی نیستند و شامل انتخاب حاکمان از طریق بیان آرای شهروندان می‌باشند. هر یک از این افراد رأی‌دهنده نامیده می‌شوند و این طبقه‌بندی منوط به داشتن شرایط قانونی خاصی برای حق شرکت در انتخابات است. فقط افرادی می‌توانند انتخاب شوند که شرایط واجد نامزد شدن را داشته باشند. در حقیقت عمل انتخاب کردن را یا رأی دادن را حق رأی می‌گویند (Glossary of Elections Terminology, 2019: 34-36).

سپس انتخاب شوندگان (حاکمان) از طرف رأی‌دهندگان حکومت می‌کنند، یعنی به آن‌ها این حق را می‌دهند که به نام مردم عمل کنند. حق رأی، می‌تواند محدود یا همگانی باشد. حق رأی زمانی محدود می‌شود که فقط به دسته‌های خاصی از شهروندان یا طبقات اجتماعی اعطا شود که با شرایط خاصی تعریف شده‌اند و زمانی همگانی است که همه شهروندان بتوانند در انتخابات شرکت کنند. با این وجود، در نیمه اول قرن نوزدهم مدافعان حق رأی محدود، بر اساس شرایط اقتصادی و فرهنگی انتخاب‌کنندگان، جایگاه خود را به دست آوردند. یک گفتمان با این ادعا که رأی دادن یک حق سیاسی نیست. بلکه، یک کارکرد یا ظرفیتی است که فقط در اختیار نوع خاصی از مردان است. دهه‌های ۱۸۴۰ و ۱۸۵۰، فرانسه و اسپانیا تجربه مشترکی در رابطه با نظریه و عمل لیبرالیسم مبتنی بر سرشماری داشتند. در واقع، اختلافات در مورد حق رأی از این هم فراتر رفت و پیامدهایی را که برای مشروعیت دولت نمایندگی، مسئولیت سیاستمداران و ملی شدن سیاست داشت، آشکار کرد. در سال ۱۸۷۰، حق رأی همگانی در فرانسه برقرار شد و بر اسپانیا تأثیر مستقیم گذاشت (Zurita-Aldeguer, R, 2019: 210-213). با این حال، تا زمانی که حق رأی همگانی در دولت‌های مدرن اعمال گردید، قانون انتخابات تحولات بزرگی را تجربه کرد که به آن می‌پردازیم.

۲. توسعه دموکراتیک:

بعد از دوران فنودالیسم، دموکراسی با توسعه سرمایه‌داری به تدریج ایجاد شد. این فرآیند، با تضعیف قدرت طبقه مالک و تقویت طبقات متوسط و کارگر، توازن قدرت طبقاتی را تغییر داد. طبقات کارگر و متوسط در اثر تحولات مانند شهرنشینی و تولید صنعتی، توانمندی بی‌سابقه‌ای کسب کردند. این تحولات به توازن قدرت طبقاتی افزودند و به خصوص جنبش قرن هجدهم به واکنش مردم در برابر جوامع غیرمنصفانه و اعتراض به قدرت‌های سرکوبی ایجاد شد. در طبقات متوسط شهری و جمعیت کشاورز کوچک، عضویت در سازمان‌ها حقوق و تعهدات را تعیین می‌کرد و انسان معمولی به‌عنوان فرد مستقل و بدون محدودیت در جامعه وجود نداشتند. این نابرابری‌ها و قدرت‌ها بر روی افکار روشنفکران اثر گذاشت و به نقد این وضعیت پرداختند.

سرمایه‌داران به‌طور همزمان، به دنبال کنترل قدرت سیاسی از طریق پارلمان شدند تا بتوانند از طریق سیاست‌گذاری به موفقیت اقتصادی دست یابند. هرچند طبقات کارگر مهم‌ترین مهیاکنندگان دموکراسی در اروپا بودند؛ اما نیاز به حمایت طبقات متوسط شهری و کشاورزان کوچک بود تا دموکراسی بتواند رشد کند. بدون این گروه‌ها، طبقات کارگر ضعیف‌تر از آن بودند که بتوانند از طریق دموکراسی به موفقیت برسند. با این حال، همچنان طبقات متوسط شهری و کشاورزان کوچک با دموکراسی به‌عنوان یک مدل ایدئولوژیک مخالف بودند. در واقع، سرمایه‌داران شهری به‌عنوان نیروی قدرتمند در اقتصاد و سیاست ظاهر شدند و به‌واسطه کنترل پارلمانی بر دولت ارتقاء یافتند. در این موقعیت، هرچند طبقات کارگر دلیل اصلی موفقیت دموکراسی بودند، اما به حمایت طبقات متوسط شهری و کشاورزان کوچک نیز نیاز داشتند (Moore, B. 1966: 430-431).

در انگلستان، به‌عنوان مثال تغییر مسیر اشراف به کشاورزی تجاری باعث تقویت تجارت و ظهور سیستم سرمایه‌داری شهری شد و منافع مشترک بین اشراف و سرمایه‌داران باعث ایجاد اتحاد میان این دو طبقه شد. در این میان، وجود یک طبقه قدرتمند از مالکان که به نیروی کار ارزان وابسته بودند، مشکلات زیادی برای دموکراسی به وجود آورد که تا پایان

جنگ جهانی دوم ادامه داشت. در دوران پس از جنگ جهانی دوم، توافقاتی برقرار شدند. طبقه کارگر مطالبات خود را برای سوسیالیسم کنار گذاشتند. اما، به جای آن شغل‌های تضمینی دولت رفاهی و حقوق شهروندی صنعتی را به دست آوردند. شرایط این توافقات در مورد قدرت سیاسی و سازمانی طبقه کارگر متفاوت بود (Moore, B. 1966: 420-424-430-434).

در آمریکا نیز زمین‌داران جنوب با تلاش‌های دموکراتیک‌سازی سرمایه‌داران شمال مخالفت کردند و جرقه‌ای را به راه انداختند که به دلیل ضعف نسبی زمین‌داران، به تدریج این طبقه از بین رفتند (Moore, B. 1966: 431). اما سرمایه‌داران چگونه با این سازش سازگار شدند؟ سرمایه‌داران یافتند که می‌توانند با استراتژی‌هایی که به سود طبقه کارگر منجر می‌شود، با توجه به سودآوری کینزی، پول در بیاورند. این استراتژی تأکید بر افزایش مصرف طبقه کارگر داشت تا بازاری برای کالاها ایجاد شود (Evelyn Huber and John D. Stephens, 1997: 17-19).

سرمایه‌داران، در آغاز انقلاب‌های دموکراتیک برای کسب آزادی شخصی مشارکت داشتند. با پیروزی انقلاب، تمرکز آن‌ها به سمت منافع شخصی رفت. در ادامه، آن‌ها نقش مهمی در تداوم اقتصادی خود ایفا کردند و در دموکراسی تأثیرگذار شدند. آن‌ها به تصرف منابع مالی برای تأمین مالی کمپین‌های سیاسی، تأمین مقامات دولتی مؤثر و کنترل رسانه‌ها و شکل‌دهی افکار عمومی روی آوردند. با گسترش تأثیرات اقتصادی و سیاسی آن‌ها به دنبال تغییر ماهیت و عملکرد واقعی دموکراسی رفتند. در حالی که دموکراسی همچنان ایدئال ارزشمندی است، اجرای آن در عمل باید به تعامل قدرت‌های اقتصادی و سیاسی توجه داشته باشد.

۳. آزادی فردی:

نظام‌های سیاسی نمایش‌دهنده تفکرات فلسفی هستند. لیبرالیسم به‌عنوان حامی نظام سرمایه‌داری متکی بر این باور است که ذهن انسان برای رویارویی با واقعیت صلاحیت دارد و شایستگی اخلاقی جستجوی شخصی برای خوشبختی را به‌عنوان چارچوب ایدئال اجتماعی مطرح می‌کند. این نظام از حقوق فردی حمایت و دفاع می‌کند و بر این باور است که تنها نقش محافظت از شهروندان در برابر زور یا تقلب را باید به دولت سپرد. این حفاظت مستلزم ایجاد پلیس در داخل، محافظت نظامی در برابر نفوذ خارجی و سیستم قضایی برای حل و فصل اختلافات شهروندان است. سرمایه‌داران استدلال می‌کنند که جنایات ارتكابی در این سیستم در مقایسه با بی‌عدالتی‌های عظیمی که توسط دولت‌های مختلف تداوم می‌یابد کم‌رنگ است. در نتیجه، محدود کردن دولت‌ها از توسل به زور از طریق قانون اساسی مبتنی بر حقوق فردی ضروری است. افراد زمانی آزاد تلقی می‌شوند که دیگران از اعمال زور علیه آن‌ها خودداری نکنند. آزادی تنها زمانی می‌تواند مورد تجاوز قرار گیرد که فرد یا گروهی علیه کسی زور فیزیکی وارد کند. در یک جامعه آزاد، مردم آزادند تا در چارچوب این محدودیت‌ها عمل کنند (Reisman, George, 2019: 11).

نظام سرمایه‌داری از یک‌سو، آزادی فردی را به‌عنوان عنصر اصلی برای پیشرفت فردی و حریم شخصی مطرح می‌کند. از سوی دیگر، نابرابری اجتماعی را تشدید کرده و اختلاف طبقاتی را افزایش می‌دهد و در حالی که آزادی فردی را ترویج می‌کند، ممکن است به‌طور نادرست از مسائل مهم اجتماعی و اقتصادی غافل شود. به‌عنوان مثال، توانایی سرمایه‌داران در تأثیرگذاری بر سیاست‌ها و مقررات ممکن است منجر به ضعیف شدن اصل نمایندگی دموکراتیک و ایجاد نامتناسبی در

تصمیم‌گیری‌های سیاسی شود. علاوه بر این، طبقه سرمایه‌دار می‌تواند آزادی فردی را برای محدود کردن منافع شخصی و حفظ وضعیت موجود به کار برده و در نتیجه حقوق گروه‌های به حاشیه رانده شده را نادیده بگیرد. سیاست‌های سرمایه‌داری ممکن است منجر به کاهش سرمایه‌گذاری در خدمات عمومی و شبکه‌های اجتماعی شود که امکان دسترسی مسائل ضروری را برای گروه‌های محروم‌تر محدود می‌کند. نهایتاً، سرمایه‌داری ممکن است امکان تصمیم‌گیری برای دستیابی به برخی از حقوق اساسی را وابسته به وضعیت اقتصادی او کند. این امر می‌تواند منجر به نابرابری عمیق‌تر و نادرستی در جامعه شود.

۴. برابری کاملاً قانونی:

لیبرالیسم معتقد به برابری قانونی افراد بر اساس شایستگی‌ها و فضایلشان است. آن‌ها اصرار دارند تا حد ممکن، جامعه نباید موانعی برای پیشرفت فردی قرار دهد. در دموکراسی، قدرت سیاسی محدود نمی‌شود؛ اما تعریف دقیق این قدرت و محدودیت‌ها باید در قانون اساسی صورت گیرد. در این نظام اکثریت نمی‌تواند حقوق اقلیت را نقض کنند. آن‌ها معتقدند دولت‌گرایی، با تمرکز قدرت در دولت آزادی فردی را نابود می‌کند. برای آن‌ها، سرمایه‌داری تنها نظامی است که از حقوق و آزادی افراد پشتیبانی می‌کند. به نظر آن‌ها دولت‌های دیگر، آزادی فردی را از بین برده و از زور برای کنترل شهروندان استفاده می‌کنند. بنابراین، آن‌ها تنها دو فلسفه سیاسی اساسی می‌شناسند: سیستمی که حقوق فردی و آزادی را حمایت می‌کند و سیستمی که مخالف این اصول هستند و خود را به‌عنوان تنها نظامی تصور می‌کنند که حقوق بشر را مطلق و تغییرناپذیر می‌شمارد (Reisman, George, 2019: 18).

لیبرالیسم برای رسیدن به اهداف خود آزادی فردی و برابری حقوقی را ترویج و به دلایل تاکتیکی نیز حاکمیت مردمی را فریاد می‌زنند. دموکراسی مطلق که به معنای حکومت اکثریت نامحدود است، با سرمایه‌داری و آزادی ناسازگار است. این به این دلیل است که لیبرالیسم بر اصل حقوق فردی استوار است. در صورتی که، در یک دموکراسی مطلق حقوق فردی واقعاً معنای مشروعی نخواهد داشت، زیرا همیشه می‌توان در انتخابات بعدی رأی داد و اکثریت بدون توجه به حقوق اقلیت هر کاری می‌خواهد انجام می‌دهد، اگر قرار است سرمایه‌داری به دست آید، باید به‌طور مداوم از حقوق فردی حمایت شود. در مورد نقش سرمایه‌داری، برخی معتقد هستند دموکراسی مخلوق سرمایه‌داری است. سرمایه‌داری با پافشاری بر سهم خود در قدرت سیاسی به شکل کنترل پارلمانی بر دولت سهم مهمی در حرکت به سوی دموکراسی داشت؛ اما برخی نیز معتقدند سرمایه‌داری با دموکراسی‌سازی در زمانی که منافعش در خطر به نظر می‌رسید دشمنی دارد (Evelyn Huber and John D. Stephens, 1997: 2).

۵. سیستم نمایندگی:

تئوری حاکمیت ملی به نظام نمایندگی منتهی شده و دوری مردم از تصمیمات سیاسی را ممکن کرده است. در این نظام در عمل اراده مردم نادیده گرفته می‌شود. قانون اساسی اراده تمام اعضای ملت - نه تک‌تک رأی‌دهندگان - را به رسمیت می‌شناسد. نمایندگان ممکن است انتخاب شوند یا از طریق اعمال موروثی به موقعیت برسند. در نظام نمایندگی، نمایندگان منتخب به‌عنوان یک واحد عمل نمی‌کنند. هر نماینده تنها نماینده خودش است و نه تمام رأی‌دهندگان. وکیل

مردم نیز از مردم دستور رأی‌دهی در جهت‌های خاص نمی‌گیرد. واقعیت اصلی نظام نمایندگی، انتقال قدرت تصمیم‌گیری به نمایندگان منتخب است که به‌طور مستقل عمل می‌کنند. این رویه ادامه داشت تا جایی که در اواخر قرن نوزدهم و تا سال ۱۹۱۸، بسیاری از کشورهای اروپای غربی، از جمله بریتانیا و هلند و بلژیک به دموکراسی گسترده تبدیل شدند. این تحول اساساً با گسترش صنعت و افزایش طبقه کارگران به وجود آمد. ایجاد اتحادیه‌های کارگری و حضور قوی حزب‌های سوسیال دموکراتیک در این دوره نقش مهمی داشتند و به‌عنوان نیروهای اصلی دموکراتیک، در طی جنگ جهانی اول تقویت شدند و تمرکز خود را بر حق رأی عمومی و حکومت پارلمانی قرار دادند (Mikkelsen, 1996: 4).

در ابتدا، تئوری حاکمیت ملی مدعی بود که حذف منتخبان از لیست رأی‌دهندگان و برپایی سیستم سرشماری، یک مشکل اساسی است. سیستم سرشماری به معنای شمارش جمعیت و تعیین ارزش‌داری‌ها به‌منظور محاسبه مالیات سرانه و حق رأی‌دهی معترضانه تفسیر می‌شد. در این سیستم افراد تنها با درآمد و دارایی‌های خاص حق رأی داشتند. به‌تدریج حق رأی عمومی به همه شهروندان اعطا شد. این تغییرات شامل رأی‌دهی زنان و افزایش سن حق رأی در بریتانیا و ایالات متحده بود. این تغییرات در دسترسی به حق رأی و محدودیت‌های آن، تأثیرات مهمی در حقوق شهروندان داشت. در نهایت حق رأی همگانی به‌عنوان اصل دموکراتیک، اما با تأخیر در برخی کشورها و تحت محدودیت‌های مختلف اعمال شد. تغییرات در تئوری حاکمیت ملی و حق رأی نشان داد که حقوق شهروندی از مسائل پیچیده و تاریخی تشکیل شده‌اند و همواره تحت تأثیر تغییرات اجتماعی و سیاسی قرار می‌گیرند (Adérito Correia, 2001: 17-18-19).

۶. انتخابات:

در فرهنگ‌های لغت، معانی مختلفی برای انتخابات ذکر گردیده است از جمله برگزیدن، بیرون کشیدن، برگزیدن چیزی از میان چیزهای دیگر، برگزیدن کسی از میان جمعی برای انجام کاری، همچنین واژه انتخابات مترادف با عمل یا قدرت انتخاب کردن، عمل انتخاب شدن، حق یا توانایی ایجاد یک انتخاب آمده است (عمید، ۱۳۴۹: ۱۵۹).

اما از منظر مفهوم اصطلاحی واژه انتخابات، به‌عنوان موتور نظام‌های مردم‌سالار در مفهوم اصطلاحی برای نیل به آرمان‌های ملت از طریق مشارکت عمومی استفاده می‌شود. در این رویارویی با سایر روش‌های گزینش انتخابات تعیین می‌کند، کدام احزاب یا افراد مسئولیت‌های دولتی را بر عهده خواهند گرفت. در جوامع دموکراتیک، مردم نمایندگان را انتخاب کرده و با این کار قدرت و تعیین سیاست‌های سیاسی را به دست می‌گیرند. انتخابات ابزاری اساسی برای مردم به‌منظور انتخاب ناظران و مسئولین است که قدرت و تصمیم‌گیری را به دست می‌آورند. در نتیجه، انتخابات تأثیر بسزایی بر تشکیل خط‌مشی‌ها، انتخاب مواضع سیاسی و عملکرد احزاب دارند (سرور، ستار، رز، ریچارد، ۱۳۹۰: ۹۷).

سیستم سرمایه‌داری به‌طور ماهرانه از انتخابات به‌عنوان پوشش دموکراتیک استفاده می‌کند؛ اما واقعیت آرمان‌های دموکراتیک را ضعیف می‌کند. این سیستم با تأکید بر اهمیت انتخابات، سلطه خود را حفظ کرده و تاکتیک‌هایی به کار می‌گیرد تا روح واقعی دموکراسی را کمرنگ کند. گاه انتخابات به یک آیین صرف تبدیل شده و نتایج آن‌ها پیشاپیش توسط نخبگان تعیین می‌شوند. این برنامه‌ریزی به سرمایه‌داران کمک می‌کند تا وضعیت موجود را حفظ کرده و تسلط اقتصادی و سیاسی خود را بدون چالش حفظ کنند و با سوءاستفاده از انتخابات، از دموکراسی برای منافع خود بهره‌برداری کنند. این تداوم دست‌کاری می‌تواند اراده واقعی مردم را ضعیف کند و قدرت‌های موجود را حفظ نماید.

۶-۱. نظام‌های انتخاباتی:

مسائل مفهومی و نظری نظام‌های انتخاباتی را می‌توان مجموعه‌ای از قوانین و مقررات دانست که بر اساس آن‌ها آرای که در یک انتخابات عمومی به صندوق انداخته شده است به کرسی‌هایی تبدیل می‌شوند که احزاب و نامزدها آن‌ها را اشغال می‌کنند (رینولدز و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۶۲). در واقع نظام‌های انتخاباتی بر اساس آرای که رأی‌دهندگان به صندوق‌های رأی انداخته‌اند، پیروز انتخابات را مشخص می‌کنند و تعیین می‌کنند که هر حزب یا گروه سیاسی باید چه سهمی از قدرت سیاسی داشته باشد (لاندل، ۱۳۸۹: ۳۱). در دانشنامه علوم سیاسی در تعریف نظام انتخاباتی آمده است مجموعه‌ای از قوانین و مقررات که نحوه انتخاب نمایندگان مردم را مشخص می‌کند (Yon, 2001: 488). آرند لیفارت نیز در کتاب نتایج سیاسی نظام‌های انتخاباتی، نظام‌های انتخاباتی را این‌چنین تعریف می‌کند: مجموعه روش‌هایی که شهروندان برای انتخاب نمایندگان خود به کار می‌گیرند. در واقع نظام‌های انتخاباتی نحوه تخصیص کرسی‌ها را بر مبنای آراء (Lijphart, 1986: 12) مشخص می‌کنند.

به گفته داگلاس ری^۱ مهم‌ترین اجزای هر نظام انتخاباتی عبارت است از: فرمول انتخاباتی، ساختار برگه‌های رأی‌دهی، وسعت حوزه‌های انتخابیه و حدنصاب انتخاباتی. همچنین می‌توان نظام‌های انتخاباتی رایج را به چهار شاخه اصلی و دوازده شاخه فرعی تقسیم کرد (رینولدز و دیگران، ۱۳۹۱: ۵۵). بر اساس فرمول انتخاباتی مورد استفاده می‌توان نظام‌های انتخاباتی را به چهار دسته کلی تقسیم کرد. این چهار دسته عبارت‌اند از:

۱. نظام‌های اکثریتی؛
۲. نظام‌های تناسبی؛
۳. نظام‌های مختلط؛
۴. سایر نظام‌ها.

۶-۲. نظام‌های اکثریتی:

رأی‌گیری می‌تواند تک‌نفره یا لیستی باشد. زمانی که هر حوزه انتخابیه فقط می‌تواند یک نماینده انتخاب کند تک‌اسمی است. زمانی که هر حوزه انتخابیه چندین نامزد را انتخاب می‌کند که به‌طورکلی بر اساس لیست‌ها گروه‌بندی می‌شوند، این لیست (چند اسمی) است. اولی بیشتر در حوزه‌های انتخاباتی کوچک استفاده می‌شود. دومی مربوط به حوزه‌های بزرگ انتخاباتی است. این نظام هم‌اکنون در بریتانیا و مستعمرات سابق آن از جمله آمریکا، کانادا، استرالیا و هند به کار می‌رود که اشکال مختلفی دارد.

۱. نظام اکثریت نسبی مبتنی بر مناطق تک‌عضو؛
۲. دو نوع نظام اکثریت مطلق مبتنی بر مناطق تک‌عضو؛
۳. نظام انتخاباتی حوزه بزرگ؛
۴. نظام مختلط اکثریتی (حوزه بزرگ به‌علاوه مناطق تک‌عضو) (داگلاس جی ایمی، ۱۳۹۶: ۶۵).

انتخاب بین رأی‌گیری فهرستی یا سیستم تک عضوی بیش از هر چیز به انتخاب بین نمایندگی تناسبی و اکثریتی بستگی دارد. نمایندگی تناسبی نمی‌تواند جز در چارچوب سیستم لیستی عمل کنند. همچنین می‌توان نظام‌های اکثریتی را بر اساس تعداد دوره‌های رأی‌گیری تقسیم‌بندی کرد:

۱. نظام اکثریتی ساده یا نسبی؛

۲. نظام دو مرحله‌ای؛

و بر اساس لیستی می‌توان آن‌ها را چنین تقسیم کرد:

۱. نظام رأی دسته‌جمعی؛

۲. نظام رأی دسته‌جمعی حزبی؛

۳. نظام رأی بدلی (Farrell, 2011: 15).

۶-۲-۱. رأی اکثریت تک نماینده:

نظام اکثریت نسبی مبتنی بر مناطق تک عضو^۱ یا هر کس که اول عبور کند^۲ ساده‌ترین و قدیمی‌ترین نظام انتخاباتی است (ایوبی، ۱۳۸۲: ۵۵). شایع‌ترین نظامی است که برای انتخابات مجالس قانون‌گذاری در ایالات متحده به کار می‌رود (داگلاس جی ایمی، ۱۳۹۶: ۸۳). در این نظام انتخاباتی تعداد نمایندگان هر حوزه یک نفر است (Farrell, 2011: 14). همچنین رأی‌دهی در این نظام نامزدمحور است، یعنی رأی‌دهندگان به نامزدها رأی می‌دهند نه به احزاب (Colomer, 2004: 62). در مجموع از ۲۰۱ کشور و منطقه خودمختار، ۴۹ کشور از نظام انتخاباتی اکثریتی ساده برای انتخاب نمایندگان مجالس خود استفاده می‌کنند (رینولدز و دیگران، ۱۳۹۱: ۷۰-۶۳).

۶-۲-۲. نظام انتخاباتی دو مرحله^۳ یا نظام دور حذفی^۴:

هدف از طراحی نظام‌های اکثریت مطلق، رفع یکی از مشکلات آشکار نظام‌های اکثریت نسبی بود. امکان برنده شدن نامزدی که تنها مورد حمایت اقلیت رأی‌دهندگان در یک منطقه است. با این روش نامزد منتخب از حمایت بیش از پنجاه درصد رأی‌دهندگان برخوردار خواهد بود (داگلاس جی ایمی، ۱۳۹۶: ۸۷). سیستم اکثریت دو دوری کمی عادلانه‌تر از سیستم قبلی است. همان‌طور که گفته شد برای انتخاب شدن در دور اول کسب اکثریت مطلق آراء ضروری است (Adérito Correia, 2001: 22).

۶-۲-۳. نظام اکثریت نسبی مبتنی بر مناطق چند عضو یا نظام حوزه بزرگ^۵ یا نظام رأی جمعی^۶:

این نظام یک چیدمان ویژه در نظام‌های اکثریت نسبی و مطلق است؛ چراکه به جای مناطق تک عضو از مناطق چند عضو استفاده می‌کند. در حال حاضر ده ایالت در ایالات متحده از این نظام برای مجالس خود استفاده می‌کنند (داگلاس

1. single-member district plurality (SMDP)
2. first-past-the-post
3. two round system
4. Runoff system
5. Multimember district plurality voting
6. Block voting

جی ایمی، ۱۳۹۶: ۱۰۲). در این نظام برخلاف نظام اکثریتی ساده، حوزه‌های انتخابیه بیش از یک نماینده دارد. به عبارت دیگر، در این نظام از هر حوزه بیش از یک نماینده انتخاب می‌شود (لاندل، ۱۳۸۹: ۴۱). همچنین، ساختار برگه‌های رأی‌دهی در این نظام متفاوت از نظام قبلی است، به این معنا که رأی‌دهندگان به جای نوشتن نام یک نامزد بر روی برگه‌های رأی‌دهی به اندازه تعداد نمایندگانی که قرار است از آن حوزه انتخابیه انتخاب شوند، حق رأی دارند (فارل، ۱۳۹۰: ۸).

۴-۲-۶. نظام مختلط حوزه بزرگ و منطقه‌ای^۱:

در نظام‌های مختلط برخی از نمایندگان در حوزه بزرگ و برخی دیگر از طریق مناطق تک عضو انتخاب می‌شوند. تقریباً این نظام‌های انتخاباتی تنها در شهرها مورد استفاده قرار می‌گیرد. در این روش برگ رأی دو قسمت دارد: برندگان از طریق قاعده اکثریت نسبی که پیش‌تر در خصوص نظام‌های حوزه بزرگ و انتخابات مناطق تک عضو بیان شد، تعیین می‌شود. تعداد و نحوه ترکیب کرسی‌ها در نظام‌های مختلط می‌تواند بسیار متفاوت باشد. به طور معمول، یک شهر می‌تواند ده کرسی منطقه‌ای داشته باشد و پنج کرسی حوزه بزرگ و یا برعکس (داگلاس جی ایمی، ۱۳۹۶: ۱۰۸).

۵-۲-۶. نظام‌های اکثریت مطلق: نظام دور حذفی آنی^۲ یا نظام ترجیحی اکثریت مطلق^۳:

به این نظام رأی‌گیری رأی جایگزین یا بدیل نیز می‌گویند. این نظام در دهه ۱۸۷۰ توسط یکی از استادان مؤسسه فناوری ماساچوست^۴ پیشنهاد شد (داگلاس جی ایمی، ۱۳۹۶: ۹۴). در نظام انتخاباتی رأی بدیل^۵ وسعت حوزه‌های انتخابیه یک است، یعنی از هر حوزه انتخابیه فقط یک نفر انتخاب می‌شود. این نظام انتخاباتی نامزد محور است. با این حال، نظام انتخاباتی رأی بدیل تفاوت‌های مهمی با نظام اکثریتی ساده دارد (لاندل، ۱۳۸۹: ۴۸). در این روش لیست نامزدهای هر حوزه انتخابیه در اختیار رأی‌دهندگان آن حوزه قرار می‌گیرد. اما، رأی‌دهندگان به جای انتخاب یک نفر از نامزدهای این لیست، بایستی اقدام به رتبه‌بندی کل نامزدهای لیست کنند (رینولدز و دیگران، ۱۳۹۱: ۷۳). این شیو رأی‌دهی به «رأی‌دهی ترجیحی» یا «رأی‌دهی مبتنی بر اولویت‌دهی» معروف است (لاندل، ۱۳۸۹: ۴۹).

در نظام اکثریتی ساده نامزد پیروز اکثریت نسبی آراء را در یک حوزه انتخابیه به دست می‌آورد، یعنی نسبت به سایر نامزدها آن حوزه رأی بیشتری کسب می‌کند؛ اما در نظام انتخاباتی رأی بدیل نامزد پیروز باید اکثریت مطلق آراء را به دست آورد، به این معنا که نامزد پیروز هر حوزه انتخابیه کسی است که نصف به علاوه یک اولویت‌های اول رأی‌دهندگان را از آن خود کند (Farell, 2011: 50-55). تعداد کشورهایی که از این نظام انتخاباتی استفاده می‌کنند، انگشت‌شمار است و فقط ۳ کشور واقع در منطقه اقیانوسیه یعنی استرالیا، فیجی و گینه جدید پاپوآ در سطح ملی از این نظام انتخاباتی برای انتخاب نمایندگان مجالس خود استفاده می‌کنند (رینولدز و همکاران، ۱۳۹۱: ۷۵).

1. Bullet voting
2. Instant runoff voting
3. majority preferential voting
4. Massachusetts
5. vote alternative

۳-۶. نظام نمایندگی تناسبی:

نظام تناسبی رقیب اصلی نظام اکثریت نسبی و مطلق است. در واقع، در میان دموکراسی‌های پیشرفته غربی نظام تناسبی یک نظام فراگیر است. بیست و یک کشور از بیست و هشت کشور در اروپای غربی از این نظام استفاده می‌کنند، مانند آلمان، اتریش، اسپانیا، ایرلند، بلژیک، پرتغال، دانمارک، سوئد، سوئیس، فنلاند، قبرس، لوکزامبورگ، مالت، نروژ، هلند و یونان. البته نظام تناسبی تنها یک نوع نیست. بلکه، انواع مختلفی دارد و به همین جهت بهتر است اصل اساسی را که همه این انواع به آن پایبند هستند، بشناسیم. این اصل ساده است، تعداد کرسی‌هایی که یک حزب سیاسی یا گروه در قوه مقننه از آن خود می‌کند، باید متناسب با تعداد طرفدارانش در میان رأی‌دهندگان باشد. کلیه نمونه‌های نظام تناسبی برگرفته شده از سه نوع اصلی نظام تناسبی: نظام فهرست حزبی و نظام اعضای مختلط و نظام تک رأی قابل انتقال که با عنوان نظام گزینشی نیز شناخته می‌شود (داگلاس جی ایمی، ۱۳۹۶: ۱۱۵). هدف از این روش این است که مجلس به دلیل نحوه انتخاب خود، انعکاس صادقانه‌تری از جریان‌های حزبی باشد که در هر کشوری تجلی می‌یابند.

اصل اساسی نمایندگی تناسبی، اطمینان از نمایندگی اقلیت‌ها در هر حوزه انتخابیه، دقیقاً متناسب با تعداد آرای به دست آمده است. در واقع، نظام‌های انتخاباتی تناسبی تلاش می‌کنند مشکل بی‌تناسبی را که در نتیجه به‌کارگیری نظام‌های اکثریتی ممکن است ایجاد شود، برطرف کنند (Farrell, 2011: 64).

۳-۶-۱. نظام تناسبی انتخاباتی فهرست حزبی^۱:

امروزه نظام‌های فهرست حزبی تا حدود زیادی شایع‌ترین شکل نظام تناسبی است. دو نوع بزرگ از نظام فهرستی حزبی وجود دارد: فهرست بسته^۲ و فهرست لیست باز^۳ (داگلاس جی ایمی، ۱۳۹۶: ۱۴۲).

در نظام انتخاباتی فهرست حزبی، از هر یک از حوزه‌های انتخابیه بیش از یک نماینده انتخاب می‌شود. این نظام انتخاباتی، حزب محور است و نه نامزد محور. به این معنا که در این نظام رأی‌دهندگان به جای انتخاب یک یا چند نامزد به یک حزب رأی می‌دهند. شیوه انتخاب نمایندگان در نظام انتخاباتی فهرست حزبی به این شکل است که ابتدا کشور به حوزه‌های انتخابیه متعدد تقسیم می‌شود و سپس هر حزبی که مایل به شرکت در انتخابات آن حوزه است، لیستی از نامزدهای خود در آن حوزه ارائه می‌کند. رأی‌دهندگان از میان لیست‌های حزبی مختلف یک لیست را انتخاب می‌کنند. هر لیستی که نسبت به سایر لیست‌های حزبی آرای بیشتری به دست آورد، پیروز انتخابات آن حوزه است (Colomer, 2004: 62-63). به‌طورکلی، فقط در ۴ کشور از کل کشورهای جهان این نظام انتخاباتی به کار برده می‌شود (رینولدز و دیگران، ۱۳۹۱: ۷۳).

در روش فهرست بسته که نوع اصیل نظام فهرستی است، حزب تعیین می‌کند هر یک از نامزدها در کجای فهرست جهت انتخاب قرار می‌گیرند و رأی‌دهنده صرفاً به کلیت حزب رأی می‌دهد (داگلاس جی ایمی، ۱۳۹۶: ۱۴۳).

1. Party list proportional representation
2. Closed list
3. Open list

۲-۳-۶. نظام انتخاباتی فهرست حزبی باز:

اکثر دموکراسی‌های اروپایی در حال حاضر از فهرست باز استفاده می‌کنند (داگلاس جی ایمی، ۱۳۹۶: ۱۴۳). نظام انتخاباتی تناسبی لیستی در حوزه‌های انتخابیه چند نماینده‌ای کاربرد دارد (Farrell, 2011: 64). رأی‌دهندگان از میان لیست‌های ارائه شده احزاب سیاسی دست به گزینش می‌زنند و بهترین لیست را انتخاب می‌کنند. پس از شمارش آراء و مشخص شدن سهم هر حزب از آراء، کرسی‌های پارلمان به تناسب آرای که هر یک از احزاب کسب کرده‌اند، بین آن‌ها توزیع می‌شود (Colomer, 2004: 487). شبیه این روش انتخابات در فنلاند استفاده می‌شود و به‌عنوان بارزترین نوع از نظام فهرستی شناخته می‌شود (داگلاس جی ایمی، ۱۳۹۶: ۱۴۵). نظام‌های تناسبی لیستی امروزه در ۷۴ کشور دنیا در انتخابات پارلمان به کار گرفته می‌شوند که این تعداد تقریباً حدود ۳۷ درصد کل کشورهای جهان را شامل می‌شود. در واقع، نظام‌های تناسبی لیستی پرکاربردترین نظام انتخاباتی در سطح جهانند (رینولدز و دیگران، ۱۳۹۱: ۸۷).

۳-۳-۶. نظام تناسبی تک رأی قابل انتقال^۱:

این نظام انتخاباتی در حوزه‌های انتخابیه‌ای که تعداد نماینده آن‌ها بیش از یک است کاربرد دارد (لانلد، ۱۳۸۹: ۵۴). در این نظام هم مانند نظام انتخاباتی رأی بدیل، رأی‌دهندگان نامزدهای معرفی شده احزاب سیاسی را به ترتیب اولویت مورد نظر خود بر روی برگه‌های رأی‌دهی رتبه‌بندی می‌کنند (رینولدز و دیگران، ۱۳۹۱: ۸۸). پس از آنکه تعداد کل رأی‌های یک حوزه شمارش شد بر اساس آن شاخص یا حدنصاب آرای که برای پیروزی هر نامزد لازم است مشخص می‌شود. دو روش مورد استفاده رایج عبارتند از: سهمیه هری^۲ با فرمول: $(total\ votes^3 / (total\ seats^4 + 1) + 1)$ و سهمیه دروپ^۳ با فرمول: $(total\ votes / (total\ seats + 1)) + 1$.

هر نامزدی که برابر یا بالاتر از این شاخص در اولویت اول رأی‌دهندگان قرار گرفته باشد انتخاب خواهد شد. در شمارش‌های دوم و بعدی آرای مازاد نامزدهای انتخاب شده، طبق اولویت‌های دوم برگه‌های رأی، بین نامزدهای باقیمانده توزیع می‌شود. اما، چنانچه نامزدی پیروز آرای مازادی فراتر از شاخص تعیین شده نداشته باشد، نامزدی که کمترین میزان آراء را در مجموع آراء کسب کرده است حذف می‌شود و سپس آرای او در شمارش‌های بعدی به نفع نامزدهای باقیمانده بر طبق اولویت‌های دوم و بعدی بازتوزیع می‌شود. این فرایند آن‌قدر ادامه می‌یابد تا همه کرسی‌های آن حوزه انتخابیه را نامزدهایی که به اندازه شاخص تعیین شده رأی کسب کرده‌اند پر کنند و با تعداد نامزدهایی که در شمارش باقی مانده‌اند فقط یکی بیشتر از تعداد کرسی‌هایی باشد که باید پر شوند که در این حالت همه نامزدهای باقیمانده به غیر از یکی از آن‌ها بدون رسیدن به شاخص انتخاب می‌شوند (Farrell, 2011: 99-120).

نظام انتخاباتی تک رأی قابل انتقال تنها در ۲ کشور (تاسمانی و استرالیا) جهان برای انتخاب نمایندگان مجالس قانون‌گذاری به کار گرفته می‌شود (رینولدز، ۱۳۹۱: ۹۰).

1. single transferable vote system
2. Hare quota

3. تعداد کل آرای معتبر (بدون خراب) داده شده در یک انتخابات.

4. تعداد کل کرسی‌هایی که باید در انتخابات پر شوند.

5. Droop quota

۴-۶. نظام‌های انتخاباتی مختلط تلفیقی:

نظام‌های انتخاباتی مختلط می‌کوشند ویژگی‌های مثبت نظام‌های اکثریتی و تناسبی را با هم ترکیب کنند. در واقع، در همه انواع نظام‌های انتخاباتی مختلط دو نظام انتخاباتی (اکثریتی و تناسبی) که هرکدام از فرمول متفاوتی برای تبدیل آراء به کرسی‌ها استفاده می‌کنند در کنار هم قرار می‌گیرند (Farrell, 2011: 93). نظام‌های مختلط یا تلفیقی هم دو شکل گوناگون دارند.

۱. نظام انتخاباتی موازی؛^۱

۲. نظام تناسبی مبتنی بر اعضای مختلط؛^۲

۴-۶.۱. نظام انتخاباتی موازی:

این نظام عناوین دیگری مانند نظام عضو اضافه،^۳ نظام تناسبی جبرانی،^۴ نظام دورایی و^۵ نظام آلمانی دارد.^۶ این نظام تلاشی برای مزج نظام مبتنی بر مناطق تک عضو با یک نظام تناسبی است. نصف اعضای مجلس از طریق نظام اکثریتی نسبی مبتنی بر مناطق تک عضو و نصف دیگر نیز از طریق فهرست حزبی انتخابات شده و به اعضای قبلی اضافه می‌شود؛ به نحوی که هر حزب، سهم متناسبی از کرسی‌های مجلس خواهد داشت (داگلاس جی ایمی، ۱۳۹۶: ۱۴۸). در نظام موازی تکلیف کرسی‌های پارلمان از طریق دو فرمول مختلف (اکثریتی و تناسبی) مشخص می‌شود (رینولدز و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۰۰). در حال حاضر ۲۴ کشور از این نظام انتخاباتی استفاده می‌کنند (رینولدز و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۰۲). به طور کلی دو روش مهم این سیستم عبارتند از: سیستم آلمانی که در جمهوری آلمان پیاده‌سازی شده و سیستم تناسبی مبتنی بر اعضای مختلط.

۴-۶.۲. نظام تناسبی مبتنی بر اعضای مختلط:

نوع دیگر نظام‌های انتخاباتی مختلط، نظام تناسبی مبتنی بر اعضای مختلط است. این نظام هم مانند نظام موازی از دو جزء اکثریتی و تناسبی تشکیل شده است؛ یعنی در واقع ترکیبی از یکی از گونه‌های نظام‌های اکثریتی و یکی از گونه‌های نظام‌های تناسبی است (لاندل، ۱۳۸۹: ۱۱۸). با این حال، در این نظام برخلاف نظام انتخاباتی موازی، این دو جزء مستقلاً و به موازات هم عمل نمی‌کنند، بلکه در این نظام بخش تناسبی نظام تلاش می‌کند تا میزان غیرتناسبی بودن نتایج بخش اکثریتی نظام را تعدیل کند (رینولدز و دیگران، ۱۳۹۱: ۹۹). مثلاً چنانچه حزبی ۱۰ درصد آراء را در سطح ملی کسب کند؛ اما در بخش اکثریتی موفق به کسب کرسی نشود بر اساس بخش تناسبی نظام، به تناسب آرای که به دست آورده است کرسی دریافت می‌کند. بنابراین، در نظام تناسبی مبتنی بر اعضای مختلط نتایج بخش اکثریتی نظام، بر نحوه اعطای کرسی‌ها در بخش تناسبی نظام اثر می‌گذارد و در واقع هدف بخش تناسبی جبران و اصلاح بی‌تناسبی

1. parallel system
2. Mixed-member proportional representation
3. Additional member system
4. Compensatory PR
5. Tow-vote system
6. German system

حاصل از بخش اکثریتی است، به همین دلیل این نظام را «نظام انتخاباتی جبرانی» هم می‌نامند. امروزه در جهان ۷ کشور از این نوع نظام انتخاباتی استفاده می‌کنند (گئورگیفا و سیمون، ۱۳۹۲: ۱۸).

۷. سایر نظام‌های انتخاباتی:

تعداد دیگری نظام انتخاباتی هم وجود دارد که به‌طور کامل در هیچ‌یک از سه نوع نظام انتخاباتی فوق‌تر قرار نمی‌گیرند. در واقع، این نظام‌ها ویژگی‌های منحصر به فردی دارند که باعث می‌شود نتوان آن‌ها را در زمره نظام‌های اکثریتی، تناسبی و مختلط جای داد (رینولدز و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۰۵). از جمله مهم‌ترین این نظام‌های انتخاباتی می‌توان به نظام انتخاباتی رأی تجمعی^۱، رأی محدود^۲، تک رأی غیرقابل انتقال^۳ و نظام انتخاباتی مبتنی بر شمارش بورد^۴ اشاره کرد. نظام رأی محدود و تجمعی نوعی از نظام‌های حوزه بزرگ هستند. این دو نظام از مناطق چند عضوی استفاده می‌کنند و رأی‌دهندگان چند رأی دارند (داگلاس جی ایمی، ۱۳۹۶: ۱۷۲-۱۷۱).

۱-۷. نظام رأی تجمعی:^۵

در این روش نامزدها در مناطق چند عضو با هم رقابت می‌کنند و رأی‌دهندگان به تعداد کرسی‌ها حق انتخاب دارند. رأی‌دهندگان رأی خود را به خود نامزدها می‌دهند و برندگان کسانی هستند که بیشترین رأی را داشته باشند. تفاوت عمده این نظام در آن است که به هر رأی‌دهنده اجازه می‌دهد بیش از یک رأی به نامزد مورد نظر بدهد (داگلاس جی ایمی، ۱۳۹۶: ۱۸۴-۱۸۲).

۲-۷. نظام رأی محدود:^۶

در این روش در حوزه‌ای که دارای سه کرسی است به رأی‌دهندگان تنها امکان دو رأی داده می‌شود. این محدودیت در رأی دادن تصاحب تمام سه کرسی را برای بزرگ‌ترین حزب دشوارتر کرده و در اغلب موارد، حزب اقلیت می‌تواند حداقل یک کرسی را از آن خود کند. انتخابات مربوط به سنای اسپانیا به‌طور معمول از مناطق دارای چهار کرسی استفاده می‌کند که در آن رأی‌دهندگان سه رأی دارند (داگلاس جی ایمی، ۱۳۹۶: ۱۹۵).

۳-۷. نظام انتخاباتی تک رأی غیرقابل انتقال:^۷

این نظام انتخاباتی نظامی نامزد محور است و در آن هر رأی‌دهنده یک حق رأی دارد. بنابراین، هر رأی‌دهنده فقط می‌تواند به یک نامزد رأی دهد. باین حال، در این نظام انتخاباتی از هر حوزه انتخابیه بیش از یک نماینده انتخاب می‌شود (لاندل، ۱۳۸۹: ۱۲۳). امروزه این نظام انتخاباتی فقط در ۳ کشور استفاده می‌شود که اکثراً جزء کشورهای کوچک

1. Cumulative voting
2. Limited voting
3. vote transferable-non single
4. system count Borda
5. Cumulative voting
6. Limited voting
7. vote transferable-non single

هستند. ژاپن هم از سال ۱۹۴۸ تا ۱۹۹۹ برای انتخاب اعضای مجلس شورای ملی خود از این نظام انتخاباتی استفاده می‌کرد (رینولدز و دیگران، ۱۰۷:۱۳۹۱).

۷-۴. نظام انتخاباتی مبتنی بر شمارش بورد^۱:

این نظام یک نظام اولویت‌دهی یا یک نظام ترجیحی محسوب می‌شود. رأی‌دهندگان مانند نظام رأی بدیل اسامی نامزدها را به ترتیب اولویت مورد نظر خود مرتب می‌کنند و به هر نامزد با توجه به رتبه‌ای که در یک برگه رأی گرفته، امتیازی اختصاص می‌دهند. هرچه رتبه بهتر (کمتر) باشد امتیاز بالاتر است. مجموع امتیازهای هر نامزد محاسبه شده و نامزدی که بیشترین امتیاز را کسب کند، برنده اعلام خواهد شد (Farell, 2011: 66). تنها کشوری که از این نظام، البته به شکل اصلاح شده آن، استفاده می‌کند کشور کوچک نائورو در اقیانوس آرام است (رینولدز و دیگران، ۱۱۰:۱۳۹۱).

۸. مقایسه سیستم‌های انتخاباتی از نظر حساسیت به سوءاستفاده

سرمایه‌داران و طبقات قدرتمند می‌توانند با انتخاب استراتژیک روش رأی‌گیری برای حفظ کنترل خود و سرکوب صداهای جایگزین، از سیستم انتخاباتی سوءاستفاده کنند. سوءاستفاده در اینجا در دست‌کاری آن‌ها در سیستم رأی‌دهی برای مطابقت با منافع خود و حفظ سلطه است. برای مثال، در مناطقی که حضوری قوی دارند یا پیش‌بینی حمایت قوی دارند، ممکن است از سیستم منطقه‌ای تک‌عضوی حمایت کنند که به آن‌ها اجازه می‌دهد نفوذ خود را متمرکز کنند و شانس خود را برای برنده شدن افزایش دهند. این می‌تواند منجر به نمایندگی نامتناسب از منافع آن‌ها در نهاد قانون‌گذاری شود. برعکس، در مناطقی که رقابت بیشتر یا دیدگاه‌های سیاسی متفاوت را پیش‌بینی می‌کنند، ممکن است از یک سیستم مبتنی بر فهرست دفاع کنند که به نفع احزاب بزرگ‌تر باشد و صداهای مستقل و کوچک‌تر را برای تأمین نمایندگی مشکل کند. این دست‌کاری در سیستم انتخاباتی می‌تواند اصل دموکراتیک نمایندگی عادلانه را تضعیف کند و تنوع سیاسی را خفه کند.

می‌توان با انتخاب استراتژیک بین روش‌های رأی‌گیری تک‌نفره و فهرست‌وار برای تحکیم قدرت خود و محدود کردن نفوذ صداهای مخالف از سیستم انتخاباتی سوءاستفاده کرد. از نظر حساسیت به سوءاستفاده و مقاومت در برابر چنین سوءاستفاده‌ای بسته به سیستم خاص انتخابات پارلمانی می‌تواند متفاوت باشد. در اینجا، یک نمای کلی از نحوه طبقه‌بندی سیستم‌های مختلف از نظر حساسیت به سوءاستفاده و مقاومت در برابر آن، از حساس‌ترین تا مقاوم‌ترین، ارائه خواهیم کرد.

۸-۱. سیستم‌های حساس

سیستم‌های اکثریت ساده حساس به سوءاستفاده هستند. آن‌ها اغلب به نمایندگی نامتناسب منجر می‌شوند، به نفع احزاب بزرگ‌تر هستند و کسب کرسی‌ها را برای احزاب کوچک‌تر یا نامزدهای مستقل دشوار می‌کنند. به طور مثال انگلستان، کانادا و هند^۲ (DPI; Inter-Parliamentary Union. 2022) از سیستم‌های اکثریت ساده استفاده می‌کنند

1. system count Borda

۲. کلیه اطلاعات در مورد نوع سیستم انتخابات کشورهای مختلف از سایت اتحادیه بین‌المجالس استخراج شده است. <https://www.ipu.org>

که به دلیل عدم تناسب و حساسیت به فریبکاری با انتقاد مواجه شده‌اند. سیستم‌های رأی واحد غیرقابل انتقال و رأی محدود نیز بسیار مستعد سوءاستفاده هستند. آن‌ها اغلب منجر به نمایندگی منحرف می‌شوند و ممکن است به طور دقیق تنوع ترجیحات رأی‌دهندگان را منعکس نکنند. به طور مثال، ژاپن و جبل الطارق از سیستم‌های رأی واحد غیرقابل انتقال و رأی محدود استفاده کرده‌اند که می‌تواند به نفع احزاب مسلط باشد. در سیستم رأی‌گیری تجمعی درحالی‌که رأی‌گیری انباشته می‌تواند برخی از کرسی‌ها را برای اقلیت‌ها فراهم کند، هنوز هم ممکن است منجر به عدم حضور قابل توجهی شود و به طور گسترده مورد استفاده قرار نگیرد. ایلینوی (ایالات متحده آمریکا) از لحاظ تاریخی از سیستم رأی‌گیری تجمعی استفاده می‌کرد.

۸-۲. سیستم‌های حساسیت متوسط

سیستم‌های رأی جایگزین یا رأی‌گیری فوری دور دوم کمتر در معرض سوءاستفاده اکثریتی هستند؛ اما ممکن است همچنان طرفدار احزاب بزرگ‌تر باشند و برخی مشکلات تناسب داشته باشند. استرالیا و ایرلند از سیستم‌های استفاده می‌کنند که تناسب بیشتری نسبت به نظام اکثریتی ساده دارند. همچنین سیستم‌های ترکیبی اعضای متناسب با ارائه ترکیبی از نمایش مستقیم و متناسب، مقاومت بیشتری در برابر سوءاستفاده ارائه می‌دهند. آن‌ها تمایل دارند که فراگیرتر باشند. مانند آلمان و نیوزلند و اسکاتلند سیستم‌هایی را با موفقیت در دستیابی به تناسب بیشتر پذیرفته‌اند. سیستم‌های رأی منفرد در برابر سوءاستفاده اکثریتی مقاوم هستند. آن‌ها تضمین می‌کنند که طیف وسیع‌تری از ترجیحات رأی‌دهندگان نشان داده شوند. مانند، ایرلند که از این سیستم به طور مؤثر استفاده می‌کند و مقاومت قوی در برابر سوءاستفاده ارائه می‌دهد.

۸-۳. سیستم‌های مقاوم

سیستم‌های تناسبی لیست حزبی در برابر سوءاستفاده اکثریتی بسیار مقاوم هستند و تناسب قوی ارائه می‌دهند. آن‌ها طوری طراحی شده‌اند که ترجیحات رأی‌دهندگان را به دقت منعکس کنند. مانند بسیاری از کشورها، از جمله بیشتر کشورهای اروپای غربی از سیستم‌های تناسبی فهرست احزاب استفاده می‌کنند که معمولاً در برابر سوءاستفاده مقاوم‌ترین هستند. سیستم‌های متناسب جبرانی برای رسیدگی به عدم تناسب طراحی شده‌اند و نسبت به سیستم‌های اکثریت ساده در برابر سوءاستفاده مقاوم‌تر هستند؛ مانند کشورهای مجارستان و ایتالیا که از سیستم‌های تناسبی مبتنی بر اعضای مختلط استفاده می‌کنند.

نتیجه‌گیری

در سیر تحول تاریخی نظام‌های انتخابات پارلمانی، نظام‌های مختلفی وجود دارند. بدیهی است که هر سیستمی دارای شایستگی‌های منحصر به فرد خود است. اما، هیچ‌یک از آن‌ها در برابر خطر سوءاستفاده در امان نیستند. سوءاستفاده از سیستم انتخاباتی چندوجهی است. نظام‌های اکثریت می‌توانند به تثبیت نخبگان قدرتمند منجر شوند؛ درحالی‌که سیستم‌های نمایندگی تناسبی ممکن است منجر به ایجاد قوای مقننه‌ای از هم گسیخته شوند که قادر به اقدام قاطع نیستند. حتی سیستم‌های مختلط که برای ایجاد تعادل طراحی شده‌اند، گاهی اوقات می‌توانند طعمه دست‌کاری و نابرابری شوند.

این مقاله در بررسی چشم‌انداز چندوجهی سوءاستفاده‌های انتخاباتی، تاکتیک‌های پیچیده‌ای را که برای براندازی فرآیندهای انتخاباتی استفاده می‌شود، آشکار کرد و طیفی از استراتژی‌های به کار گرفته شده را بررسی نمود که همگی برای اصول اساسی حکومت دموکراتیک مضر هستند و همچنین با استفاده از نمونه‌های دنیای واقعی، تهدید فراگیر و مبرم ناشی از این سوءاستفاده‌ها را روشن کردیم. چنین دست‌کاری‌هایی به تدریج اصول پایه دموکراسی را از بین می‌برند و انصاف و برابری و نمایندگی را کاهش می‌دهند.

این تحقیق بر پیامدهای وخیم برای توازن اجتماعی تأکید می‌کند؛ زیرا سیاست‌ها به‌طور فزاینده‌ای منافع سرمایه‌داران ممتاز را به قیمت کاهش منافع دیگران تأمین می‌کند. علاوه بر این، پیامدهای جهانی این سوءاستفاده‌های انتخاباتی را منعکس می‌کند. از آنجایی که کشورها با فرسایش ارزش‌های دموکراتیک دست و پنجه نرم می‌کنند، اتخاذ سیستم‌های انتخاباتی مبتنی بر تخصص فرصتی خوب است. با اولویت دادن به شایستگی، دانش و تخصص، این سیستم‌ها می‌توانند روح واقعی دموکراسی را احیا کنند، جایی که نیازها و آرزوهای بسیاری بر منافع عده معدودی بیشتر است. مسیر پیش رو ممکن است چالش برانگیز باشد. اما، نوید یک چشم‌انداز سیاسی عادلانه‌تر را ارائه می‌دهد. برای مقاومت در برابر سوءاستفاده‌ها و دمیدن جان تازه‌ای به دموکراسی، جهان باید به‌طور جدی به استقبال انتخابات مبتنی بر تخصص فکر کند.

منابع

فارسی

- ایوبی، حجت‌الله؛ (۱۳۸۲)، اکثریت چگونه حکومت می‌کند؟ تهران: سروش.
- داگلاس، جی ایمی؛ (۱۳۹۶)، نظام‌های انتخاباتی، ترجمه؛ آقایی طوق، مسلم، عدالت‌جو، اعظم، تهران: انتشارات دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری.
- رینولدز، آندرو؛ بن رایلی و دیگران؛ (۱۳۹۱)، دانشنامه نظام‌های انتخاباتی، ترجمه؛ ابوذری رفیعی قهساره، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- سرویر، ستار؛ رز، ریچارد؛ (۱۳۹۰)، دایره‌المعارف بین‌المللی انتخابات، ترجمه؛ محمد تقی دلفروز، مرکز مطالعات تحقیقات و آموزش وزارت کشور، تهران: نشر میزان.
- عمید، حسن؛ (۱۳۴۲)، فرهنگ لغت عمید، تهران: انتشارات امیرکبیر، جلد اول.
- فارل، دیوید؛ (۱۳۹۰)، نظام‌های انتخاباتی، رأی احزاب و رأی‌دهندگان، ترجمه؛ ابوذری رفیعی قهساره، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس.
- گنورگیفا، واس‌ای؛ یرتا، ج.یس مون؛ (۱۳۹۲)، انتخابات و رأی‌دهی در سرتاسر جهان، ترجمه؛ علیرضا سمیعی اصفهانی و ابوذری رفیعی قهساره، تهران: تپسا.
- لاندل، کریستر؛ (۱۳۸۹)، عوامل موقعیتی‌گزینش نظام انتخاباتی: مطالعه مقایسه‌ای کلان، ترجمه؛ علیرضا عیاری، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس.

انگلیسی

- Adérito Correia. (2001). A evolução do direito eleitoral e os diferentes sistemas eleitorais. In Fundação Friedrich Ebert, Colectânea de Textos da Conferência sobre Sistemas Eleitorais decorrida em Luanda, de 13 a 15 de Novembro de 2001.
- Blackwell, C. W. (2003). Athenian Democracy: a brief overview. In Athenian Law in its Democratic Context (Center for Hellenic Studies On-line Discussion Series).
- Colomer, J. M. (2004). Handbook of Electoral System Choice. Houndmills: Palgrave Macmillan.
- Farrell, D. M. (2011). Electoral Systems: A Comparative Introduction (2nd ed.). Houndmills: Palgrave MacMillan.
- Glossary of Elections Terminology. (2019). The U.S. Election Assistance Commission. All rights reserved, 34, 36, 99, 103.
- Huber, E., & Stephens, J. D. (1997). The Bourgeoisie and Democracy: Historical and Contemporary Perspectives from Europe and Latin America. Latin American Studies Association, 2-19.

- Lijphart, A. (1986). *Electoral Laws and Their Political Consequences*. New York: Agathon Press.
- Lijphart, A. (1995). *Electoral Systems and Party Systems: A Study of Twenty-Seven Democracies, 1945–1990*. Oxford: Oxford University Press.
- Mikkelsen, F. (1996). *Working-class Formation in Europe: In Search of a Synthesis*. International Institute of Social History Amsterdam, 4.
- Moore, B. (1966). *Social Origins of Dictatorship and Democracy: Lord and Peasant in the Making of the Modern World*. Boston, MA: Beacon Press.
- Reisman, G. (2019). *Classical Economics Versus the Exploitation Theory*. Mises Institute, 11-18.
- Tarcov, N. (1986). *Popular Sovereignty (in Democratic Political Theory)*. In *Encyclopedia of the American Constitution* (Vol. 3, p. 1426).
- Van Herpen, M. H. (2019). *Early Liberals and Universal Suffrage: Their Fear of Populists and "Dangerous" People*. Cicero Foundation Great Debate Paper No. 19/01, 3-4.
- Yon, R. M. (2011). *Electoral Systems*. In G. T. Kurian (Ed.), *Encyclopedia of Political Science* (pp. 488). Washington, DC: CQ Press.
- Zurita-Aldeguer, R. (2019). *Universal Male Suffrage and Political Reconstruction in Spain and France (1868-1871)*. University of Alicante, 210, 213.
- DPI: Inter-Parliamentary Union (2022).
- Amid, H. (1963). *Amid's Dictionary*. Tehran: Amir Kabir Publication, Volume 1.
- Ayoubi, H. (2003). *How does the majority govern?* Tehran: Soroush.
- Douglas, J. M. (2017). *Electoral Systems*. (T. A. Touq, M. Adalatjoo, & A. Khodajou, Trans.). Tehran: University for Judicial Sciences and Administrative Services Publication.
- Farrell, D. (2011). *Electoral Systems, Party Votes, and Voters' Choices*. (A. R. Ghahsareh, Trans.). Tehran: Majlis Research Center.
- Gueorguiev, V., & Kuzmenko, Y. V. (2013). *Elections and Voting Worldwide*. (A. S. Esfahani & A. R. Ghahsareh, Trans.). Tehran: Tisa.
- Landell, C. (2010). *Contextual Factors in Electoral System Design: A Comparative Study*. (A. Ayari, Trans.). Tehran: Majlis Research Center.

Reynolds, A., Reilly, B., et al. (2012). Encyclopedia of Electoral Systems. (A. R. Ghahsareh, Trans.). Tehran: Center for Strategic Studies.

Sawir, S., & Rose, R. (2011). International Encyclopedia of Elections. (M. T. Delfrooz, Trans.). Tehran: Ministry of Interior's Center for Research and Training.